

کمیسیون عرایض رسیده است - قرائت میشود .

(راپرت کمیسیون عرایض مرخصی راجع بر مرخصی یکماهه آقای سپهدار اعظم بشرح ذیل قرائت شد)

آقای سپهدار اعظم بعلت تألمات وابتلای بیاره امراض بتجویز اطباء بشمیران انتقال یافته وتقاضای یکماه مرخصی برای استعلاج نموده وضمناً حقوق یکماهه خود رابکتابخانه مجلس اختصاص داده اند کمیسیون غیبت یکماهه ایشانرا تصویب مینماید.

رئیس - باید رای گرفته شود .

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد .

راپرت دیگری است قرائت میشود:

(راپرت کمیسیون عرایض راجع بر مرخصی چهلروزه آقای شیخ عبدالرحمن (بشرح زیر قرائت شد)

آقای آقا شیخ عبدالرحمن بواسطه ابتلای بمرض کبد کتباً تقاضای چهلروز مرخصی نموده بودند . کمیسیون با مشاوره تصویب مینماید که ازدهم سرطان تا مدت چهلروز برای استعلاج آقای آقا شیخ عبدالرحمن غیبت نموده ودر مدت مزبوره غایب با (اجازه ثبت شوند .

رئیس - رای گرفته میشود . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد .

جلسه ختم میشود جلسه آتیه را از طرف آقای سردار معظم پیشنهاد شده است عصر قراردهیم .

آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تذکر میدهم

خاطر آقای سردار معظم را که خودشان عصر در کمیسیون گرفتارند و گمان میکنم سایر آقایان هم گرفتار باشند و اگر عصر بیکار بودیم عیب نداشت ولی چون گرفتاریم و کار در کمیسیونها زیاد است خوبست و پیشنهاد خود رامسترددارند .

سردار معظم - بنده اصراری ندارم که جلسه عصر باشد تصور میکنم که مطلبی مطرح شده است و یک سلسله حرفهائی که درخور هر کس گفته شده است باید زود تر جواب داده شود ولی حالا اصراری ندارم روز سه شنبه جواب میدهم .

رئیس جلسه آتیه روز سه شنبه . دستور

اولاً اعتبارنامه آقایان امیر احتشام نظام التولیه سردار نصرت و نراقی بعد پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بصورت مشروع مجلس در

درجه سوم سه فقره راپرت کمیسیون مبتکرات راجع بصبحیه . و دیعه استینافیه چمن کمال آباد در درجه چهارم لایحه کمیسیون بودجه راجع بحقوق متقاعدین وزارت جنگ بعد لایحه الصاق تمبر بر مضحاج

و غیره و راپرت کمیسیون و راپرت قوانین مالیه آقای حاج عز الممالک . (اجازه)

حاج عز الممالک . اگر چه دستور مفصل است ولی بنده تقاضا میکنم که موضوع دیگری را هم جزء دستور بگذارند که اگر موقع نشد جزو دستور بعد شود و آن راپرت دیگر کمیسیون قوانین مالیه است راجع بنمایشگاهها آنرا هم خواهش میکنم جزو دستور گذارند .

رئیس - لایحه الصاق تمبر را عرض کردم .

حاج عز الممالک - دوققره بود .

رئیس - در صورتیکه وقت باقی باشد این دو لایحه هم جزو دستور میشود آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم این لایحه که از طرف آقایان حجج اسلام راجع بطراز اول رسیده و جزو دستور بود نمیدانم چه شد که از دستور خارج شد استدعا میکنم جزو دستور بگذارید که تکلیفش معلوم شود .

رئیس - مگر جلسات قبل تشریف نداشتند که مراجعه بشعب شد شعبات باید تشکیل شود تا تکلیف این لایحه و سایر لوائح دیگر معلوم شود .

آقای حائری زاده .

(اجازه)

حائری زاده - در جلسه سابق سوآلی داشتم از وزارت عدلیه اجازه ببنده داده شد ولی دقت نشد

رئیس - راجع بدستور اگر فرمایشی دارید بفرمائید .

حائری زاده اینهم که عرض میکنم راجع بدستور است چون خواستم تقاضا کنم که آقایان وزراء تذکر داده شود که در جلسه بعد برای جواب سوآلات حاضر شوند .

رئیس آقای کازرونی .

(اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای قائم مقام

(اجازه)

قائم مقام - بنده هم عرضی ندارم .

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - با چیزهائی که در دستور معین شد مخالفتی ندارم ولی راجع بروز سه شنبه عرضی دارم چون کمیسیون فقط بنا است روز سه شنبه تشکیل شود و دو ماده هم بیشتر از آن باقی نمانده و بعلاوه از نقطه نظر اینکه شاید جلسه علنی به پنجشنبه موکول شود کمیسیون را برای روز سه شنبه خبر کرده اند این است که بنده پیشنهاد میکنم جلسه آتیه با همین دستور بروز پنجشنبه موکول شود .

(بناظر از نمایندگان - عصر سه شنبه جلسه شود)

رئیس - ابتدا رأی به پنجشنبه بعد بعصر سه شنبه . آقایانیکه پنجشنبه را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پس جلسه روز پنجشنبه است آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم که اگر راپرت کمیسیون فقط تا پنجشنبه حاضر می شود مقدم در دستور باشد .

رئیس - آقای اخگر .

(اجازه)

اخگر - راجع بکمیسیون نظارت در جمع و خرج مملکتی و راجع بقانون بلدی که امروز جزو دستور بود چون مجال نشد امروز از آنها مذاکره شود استدعا میکنم جزو دستور جلسه آتیه گذارده شود که اگر در آن جلسه دقت نشد در جلسات بعد در دستور بیاید .

رئیس - آقای شریعت مدار

(اجازه)

شریعت مدار - بنده هم راجع به لایحه آقایان علماء اعلام که آقای حاج میرزا عبد الوهاب فرمودند خواستم عرض کنم .

رئیس - آقای سردار معظم

(اجازه)

سردار معظم - عرض بنده راجع بدستور نیست راجع بکمیسیون قوانین مالیه است که میخواهم عرض کنم .

رئیس - اگر مجلس اجازه می دهد بفرمائید .

(بعضی از نمایندگان جلسه ختم شده است)

سردار معظم - یک مطلبی است که مجلس شورای ملی منتظر است زودتر راپرت آن بمجلس بیاید و در کمیسیون هم مذاکره شد که هر چه زودتر راپرت آن بمجلس فرستاده خواهد شد و چون کمیسیون تأخیری در تقدیم این لایحه کرده است خواستم علت را بعرض مجلس شورای ملی برسانم و ضمناً آقای وزیر مالیه سوآل کنم لایحه معینی را که گویا هیئت وزراء فرستاده اند چرا زودتر بمجلس نمیفرستند .

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - بنده نمیدانم دو سوآل چه قدر باید طول بکشد و در نظامنامه یک ماده مخصوصی راجع باین موضوع نیست تقریباً دو ماه میشود که بنده سوآلهائی کرده ام و آقایان وزراء یا برای جواب حاضر نشده اند یا اگر حاضر شدند مجال برای دادن جواب نشده است منا میکنم امر بفرمائید یا احضار بفرمائید که تشریف

بیاورند و جواب سوآلات را بدهند که لااقل از یک ماه که مدت برای استنباح است جواب سوآل بیشتر طول نکشد .

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن الملک

جلسه ۳۳

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه دوازدهم

برج سرطان ۱۳۰۳

مطابق بیست و نهم ذی

قعدة ۱۳۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر

بریاست آقای مؤتمن الملک

تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم یکشنبه

هشتم سرطان را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نموده)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بعد از صورت

مجلس عرضی دارم

رئیس نسبت بصورت جلسه مغالنی

نیست؟

آقا سید یعقوب - بنده عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس

نوشته شده صالح دولت خوب است بنویسند

صالحه دولت

رئیس اصلاح میشود

آقای حاج میرزا عبدالوهاب راجع

بچه مطلب است؟

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض بنده

راجع بطراز اول بود که بنا بود جزو دستور بشود خواستم ببینم راپرتش از شعب آمده است یا خیر و جزو دستور خواهد شد یا نه؟ یکی هم راجع بآن کمیسیونی بود که برای رسیدگی بمرض حال نواقل معین شده بود خواستم ببینم راپرتش را بمجلس تقدیم کرده اند یا خیر؟

رئیس - اولاً بنای نبود که وقتی امری بشعبان

مراجعه میشود راپرت بدهند برای این مراجعه

میشود که تبادل نظر بشود و در واقع وقتی

که لایحه جزو دستور میشود خاطر آقایان

باشد بعد مطرح شود .

ثانیاً راجع بآن کمیسیونی که بفرمائید

آن کمیسیون برای رسیدگی بمرض حال

راجع بنواقل نبود و راجع بمطلب دیگری

بود .

راجع بامری بود که مربوط بنظامنامه

بود و حالا هم کمیسیون مشغول مذاکره

است .

حاج میرزا عبدالوهاب - پس بنده

استدعا میم این است که طراز جزء دستور

بشود .

رئیس - آقای عراقی

(اجازه)

مراقب - بنده میخواستم همین فرمایشی را که حضرت آقای رئیس فرمودند عرض کنم.

کفیل وزارت فوائد عامه - قانون توجیه اوزان و مقادیر که در پروگرام هیئت دولت ذکر و رهنمود داده شده بود تقدیم مجلس بشود اینک تقدیم میشود.

(تقدیم نمودند)

رئیس - بکدام کمیسیون باید مراجعه بشود؟

(جمعی از نمایندگان - بکمیسیون فوائد عامه)

رئیس - آقای حاج میرزا علیرضا (اجازه)

حاج میرزا علیرضا - بنده در این موضوع عرضی نداشتم.

رئیس - بکمیسیون فوائد عامه رجوع بشود؟

(جمعی از نمایندگان - بلی)

رئیس - مخالفی ندارد؟

(یک نفر از نمایندگان خیر)

رئیس - آقای حاج میرزا علیرضا بفرمائید.

حاج میرزا علیرضا - بنده پیشنهاد میکنم اعتبارنامه هائیکه جز عدس تور بود بماند برای بعد از تنفس.

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - نسبت به پیشنهاد آقای حاج میرزا علیرضا مخالفی هست یا خیر؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم آقایان بیکه با پیشنهاد ایشان موافقت قیام فرمائید.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - راجع به قرارداد بست و تلگراف با دولت شوروی روسیه هککه به کمیسیون بست و تلگراف ارجاع شده بود خواستم توجهی بشود که آن قرارداد زودتر در مجلس مطرح شود.

رئیس - دستور امروز معین شده است خیلی هم سنگین است گمان نمیکنم برای امروز برسد.

آقای رهنما (اجازه)

رهنما - راجع به موضوعی که آقای مشارعظم سؤال کردند خواستم عرض کنم اینکار در کمیسیون فوائد عامه تمام شده است اگر بسایر کمیسیونها مراجعه و در آنجا معطل شده ارتباطی بکمیسیون فوائد عامه ندارد و در کمیسیون فوائد عامه کارش تمام شده است.

رئیس - تحقیق میشود اگر چنانچه حاضر باشد جز دستور جلسه آتی که گذاشته می شود.

پیشنهاد آقای سردار معظم راجع به طبع صورت مشروح مجلس مطرح است خودشان که تشریف ندارند.

آقای شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا - شیخ الرئیس - چون خود پیشنهاد کننده حاضر نیستند گمان می کنم اگر یک خبر دیگری را مقدم بدارند بهتر باشد تا خود پیشنهاد کنند بیاورد دفاع بکنند.

رئیس - مخالفی ندارد؟

حاج ملک التجار - بنده که ملتفت نشدم ایشان چه فرمودند

رئیس - فرمودند چون آقای سردار معظم که پیشنهاد کننده هستند حاضر نیستند بماند تا ایشان بیایند.

همینطور فرمودید؟

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بلی بیاید تا یک ساعت دیگر که خود پیشنهاد کنند هم بیایند.

رئیس - راپرت کمیسیون مبتکرات مطرح است راجع به پیشنهاد آقای امیراعلم (راپرت مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

خبر از کمیسیون مبتکرات به مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون مبتکرات طرح قانونی آقای امیراعلم را راجع به انتقال اداره صحبه بوزارت داخله قابل توجه دانسته و پیشنهاد مینماید بکمیسیون معارف و داخله مراجعه شود

رئیس - خاطر آقایان را متوجه می کنم رأی که گرفته میشود راجع به قابل توجه بودن است

آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - بایشهاد بیکه آقای امیراعلم راجع به اداره صحبه داده اند بنده مخالف نیستم و خود بنده هم موافقم که امور صحبه همان طور بیکه چاب نظر ایشان را کرده است باید بوزارت داخله ارجاع شود و معلوم نیست که از ابتداء یعنی بعد از انحلال وزارت صحبه چه جهتی موجب شد که امور صحبه از وزارت داخله منتقل بوزارت معارف شد شاید در آن وقت بیک جهات خصوصی یعنی تخصص آقای امیراعلم بامور صحبه باعث این شده است که امور صحبه در تحت نظر ایشان (که آنوقت وزیر معارف بودند) بوزارت معارف ارجاع شود این مسئله در موقع خودش بعمل آمده حالا هم گذشته است ولی بعد از انحلال وزارت صحبه هم مناسب این بود که امور صحبه بوزارت داخله ارجاع شود چون اینکار بیشتر میتواند دقت بکنند مانند حکام نظمیها بلدیها مأمورین امنیه اینها تماماً در نقاط خودشان میتوانند در این موضوع مطابق تعلیماتیکه بآنها میرسد

بفوریت عمل نمایند چون در مسائل صحی چیزیکه بیشتر قابل توجه بیشتر است همان اقدامات فوری و آنی است و اگر اقدامات آنی و فوری بعمل نیاید غالباً یک امراض مسری در مملکت منتشر میشود که مضار آن معلوم است و محتاج بتوضیح نیست ولی در همین حین باید توجه داشت بیک نکته دیگر و آن انشائی است که در این ماده واحده شده . چون مفهوم ماده واحده مربوط بمسائل کلی است این است که بنده هم مخالفتم را در حین کلیات بمرض میرسانم . در اینجا نظر پیشنهاد کنندگان این است که امور صحبه در تحت نظر و تعلیمات فنی مجلس حفظالصحه انجام شود مجلس حفظالصحه تشکیل شده است از چندین اسم اعضاء مختلف یک اعضاء اصلی دارد و یک اعضاء ذی حق و یک اعضائی هم دارد که مشترکند در شور و مشورت ولی صاحب رأی نیستند آن اعضاء اصلی عبارتند از یکده اطبای ایرانی و نمایندگان وزارتخانهها و بعد نمایندگان صحبه سفارتخانهها (چون کلیه مأمورین سیاسی که بایران میآیند یک طبیب هم همراه دارند) که آنها هم در مجلس حفظالصحه ما بردروا یعنی عضو ذی حق هستند و در رأی که مجلس حفظالصحه میدهد اظهار نظر بنمایند و این موضوع خیلی قابل توجه است چون غالباً ممکن است از طریق امور صحبه یک نظریات بیستکی هم درباره موارد اجرا بشود و باید این موضوع را خیلی رعایت کرد در موقع حضور هم در مجلس حفظالصحه خیلی اتفاق می افتد که در بین اعضاء اصلی اطبایود کتران ایرانی حضور ندارند و ممکن است اطبای خارجی و نمایندگان خارجه حضور داشته باشند و چون در آنجا هم برای اکثریت اعضاء و مشاورین مدخلیت دارند این است که باید خیلی رعایت کرد که یک نظری خارج از حدود امور صحبه اجراء نشود و این موضوع را باید خیلی اهمیت داد و در نظر گرفت که هم منظور پیشنهاد کنندگان محترم بعمل بیاید و هم بایک اشکالاتی که معتدل الوقوع است مواجه نشویم . ماده واحده که آقای امیراعلم پیشنهاد کرده اند این است که (امور صحبه عمومی اهم از امور صحبه سرحدی یا امور صحبه داخل مملکت و مریضخانهها و حفظالصحه حیوانات کلیه تازمان تأسیس وزارت صحبه در تحت نظر و تعلیمات فنی و اداری مجلس حفظالصحه دولتی و تابع وزارت داخله باشد) حالا بنده آن قسمت وزارت صحبه را توجیهی ندارم چون عجلتاً مطرح نیست و حالا در آن باب میگویم نوشتن لزومی نداشته است احتیاج بوزارت صحبه داریم یا نداریم آن در موقع خودش باید مذاکره بشود اما اینکه نوشته شده در تحت نظر و تعلیمات فنی و اداری مجلس حفظالصحه دولتی و تابع وزارت داخله خواهد بود در اینجا

اگر این عبارت را تغییر بدهیم بنویسیم امور صحبه عمومی اهم از امور صحبه سرحدی یا امور صحبه داخلی مملکت و مریضخانهها و حفظالصحه حیوانات و کلیه مربوط به وزارت داخله است و مجلس حفظالصحه در این باب نظریات خواهد داشت بهتر و مناسب تر خواهد بود دیگر در تحت نظر و تعلیمات فنی و اداری مجلس حفظالصحه دولتی ضرورت ندارد برای اینکه اساساً باید دانست که وزارت خانه در امور مشغول هستند و اگر یک وقت قصوری در امور صحبه بشود از مجلس حفظالصحه کسی نمیتواند سؤال و استیضاح کند و باید از وزیر مشغول سؤال شود.

بنابر این بعقیده بنده باید وزارتخانه رامشغول دانست و امور صحبه را مجلس حفظالصحه با نظر وزارت داخله (که در تحت نظر اوست) انجام بدهد و البته جهتی هم ندارد که وزارتخانه از اجرای نظریات مجلس حفظالصحه خودداری بکنند مقصود این بود که نمایندگان محترم این نکته را در نظر داشته باشند غیر از این نظر دیگری ندارم و پیشنهادی هم که در اینخصوص بنظر من رسیده تقدیم میکنم.

اخگر مخبر کمیسیون - باینکه آقای رئیس تذکر دادند که فقط در قابل توجه بودن این پیشنهاد مذاکره خواهد شد معنی آقای مشارعظم در کلیات ماده یک مذاکره فرمودند خلاصه مقصد آقای دکتر امیراعلم موافق توضیحاتی هککه در کمیسیون دادند اینست که الان یک اداره صحبه در وزارت معارف هست و یک اداره صحبه دیگری که جزو مجلس حفظالصحه دولتی است در وزارت داخله است و البته تصدیق میفرمائید که وجود دو اداره برای یک کار تولید اشکال و اسباب زحمت فراهم میکند.

بعلاوه وقتیکه از ولایات بوزارت داخله راجع بیک مرض مسری تلگرافی میرسد چون اداره صحبه در وزارت معارف است وزارت داخله ناچار است کافذی به وزارت معارف بنویسد وزارت معارف هم با اداره صحبه مراجعه میکند اداره صحبه هم به مجلس حفظالصحه دولتی رجوع میکند دو مرتبه میگردد بوزارت معارف و از آنجا میآید به وزارت داخله و البته در این مدت مکاتبات طول خواهد کشید و آنچه آن مرض مسری باید بکنند میکنند.

بنابر این کمیسیون مبتکرات بطور کلی این پیشنهاد را قابل توجه دانست ولی چون صحبه در وزارت معارف است و سابقه این کار در وزارت داخله است اینست که لازم دانست این پیشنهاد بکمیسیون معارف و داخله هر دو مراجعه بشود و نظریات آقایان اعضاء این دو کمیسیون هم در این موضوع ملحوظ شود بعد راپرتش بیاید به مجلس آن وقت اگر این مطلب تغییراتی نکرده باشد آقایان در کلیات با جزئیاتش میتوانند بحث کنند.

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است) رئیس- آقای کازرونی (کازرونی حاضر نبودند) امیر اعلم - بنده يك توضیحاتی باید بدهم رئیس - بعد از يك مخالف باید بفرمائید . . . (جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است) رئیس- باید رای بگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند) رئیس - معلوم میشود کافی نیست . (آقای کازرونی وارد شدند) رئیس- آقای کازرونی کازرونی- بله رئیس- راجع پیشنهاد آقای امیراعلم اسم ثان را جزو مخالفین ثبت کرده اید ؟ کازرونی- بله رئیس- بفرمائید . کازرونی- پیشنهاد آقای امیراعلم مبنی بر دو موضوع است . یکی این است که اداره صحتیه که در تحت نظر و امر وزارت معارف است برگردد به وزارت داخله .

يك اداره که در امور صحتیه داخلی مملکت باید زیرای و ذی نظر باشد نمی تواند تابع رای يك مجلس باشد که تقریباً حالت بین المللی را دارد و اینکار در واقع ایجاد کابینت لاسیون میکند در امور صحتیه داخلی مملکت و همه میدانند که اصولاً این کار خوبی نیست و نتیجه خوبی نخواهد داد و اما انضمامش بوزارت داخله اینجاست که لازم میدانم تا اندازه که مستحضر و مطلع هستم عرضم را بسمع آقایان برسانم . يك وزارت صحتیه داشتیم در موقیبه که آقای امیر اعلم وزیر معارف شدند همچو تجویز فرمودند که امور صحتیه پس از انحلال آتوزارتخانه صحتیه وزارت معارف بشود و نقطه نظرشان هم البته این بوده که چون اداره صحتیه يك اداره علمی و فنی است باید در تحت نظر وزارت علوم باشد چون وزارت معارف دارای هرست و هر صفتی که باشد اقلاً متصف بصفات وزارت علوم هم هست و در آنجا مسائل علمی بیشتر از سایر وزارتخانهها مطرح میشود و البته باید تشخیص چیزهایی که مربوط بعلوم است وزارت معارف بدهد . حالا نمیدانم آن فائده مهمی که از این تغییر و تبدیل پیدا میشود چه چیز است ؟

غایت امر اینست که می فرمایند اگر يك امری اتفاقاً راجع بیک مرضی در یکی از اقطار مملکت بروز و ظهور بکنند رسماً بایستی بوزارت داخله مراجعه شود و وزارت داخله باید بوزارت معارف بگوید آتوقت جریان اینکار طول میکشد بنده عرض میکنم فقط فرقی که هست مراجعه وزارت داخله بوزارت معارف است و الا جریان وزارت معارف هم مثل جریان است که در وزارت داخله پیدا میشود و فرقی نمی کند و همین بطور جریان در مورد وزارت داخله هم هست . بنابراین برای يك امر اتفاقی که بر سبیل ندرت واقع میشود (را اگر هم واقع بشود وزارت داخله بر طبق مسئولیتی که دارد موظف است بفوریت بوزارت معارف مراجعه کند) این ایرادها دارای اهمیت نیست که ما بنیائیم وقت صرف کنیم بیک تغییر و تبدیلی بنده هم بعلاوه بنده گمان میکنم در این موضوع جلب نظر دولت هم از همه چیز لازمتر است و باید با دولت مذاکره و مشاوره کنند و به پیشنهاد دولت در این خصوص چه میگویند و عقیده اش در این خصوص چیست ؟

رئیس- آقای امیراعلم (اجازه) امیراعلم - بنده ناچارم يك توضیحاتی عرض کنم تا آقایان مستحضر و نمایندگانی که این پیشنهاد را امضاء فرموده اند و بنده فرمایشات برخلاف امضای خودشان می فرمایند از جریان امور صحتیه مطلع بشوند

اگر چه بنده خواهش کرده بودم آقایان نمایندگانی که این پیشنهاد را امضاء نموده اند اگر میل دارند در خارج از بنده توضیحاتی بخوانند تا بنده جواب هر سخنم در حال بنده توضیحاتی عرض می کنم دیگر بسته بنظر آقایان نمایندگانی است . البته آقایان در نظر دارند آنوقت که پروگرام هیئت محترم دولت در اینجا مطرح مذاکره بود بنده يك اظهاراتی راجع بوخامت اوضاع صحتیه مملکت عرض کردم و اظهار امیدواری کردم که انشاءاله بزودی دارای يك وزارت صحتیه قانونی خواهیم شد و منتظر هم بودم که این پیشنهاد از طرف هیئت دولت با تعیین محل معارج آن تقدیم مجلس شود و تا کنون هم در این انتظار هستم بطوریکه بنده اطلاع دارم البته غالب آقایان هم مستحضر اند اوضاع صحتیه ما از دو سه سال باین طرف بعد پریشانی و گرفتاری رسیده است و بنده وجداناً مجبور بودم نظریات خود را بشکل يك پیشنهادی در آورم و تقدیم مجلس شورای ملی بکنم که انشاءاله تا تأسیس يك وزارت صحتیه امور صحتیه از این پریشانی خلاص شود و يك تمرکز پیدا کند و از این همه تلفاتی که از اطراف داده میشود و آقایان نمایندگان ولایات بهتر مطلعند تا اندازه جلوگیری بشود و پولهای کمی که باین هسرت مالبه برای صحتیه تخصیص داده میشود بمحل خودش صرف شود .

بیشهاد بنده هم چیز تازه نیست هیچده سال بود که صحتیه بهمین ترتیب اداره می شد ولی برای اینکه خاطر نمایندگان محترم از امور صحتیه بهتر مستحضر شود لازم است که از تاریخچه تأسیس مجلس حفظالصحه مختصری عرض کنم؛ ازنه هزار و سیصد و بیست و یک اگر چه در سابق امور صحتیه ما خیلی مهم بوده است و دارالشفاهای بزرگ داشتیم علمای دانشمند داشتیم ولی از چهل پنجاه سال باین طرف امور صحتیه ما رو با انحطاط گذاشته و تاسه هزار و سیصد و بیست و یک هجری در ایران يك اداره صحتیه وجود نداشت در ریافت اغلب متولین هر کدام يك طبیب خانوادگی داشتند و بعضی اوقات هم که امراض مهلك از قبیل وبا و طاعون در سرحدهات شیوع پیدا میکرد چند نفر از اطباء یا بخت را بطور موقت جمع می کردند و مشورت میکردند سکه چه باید بکنیم و این انجمنی که موقتاً جمع شده بود البته نمی توانست جلوگیری کند و امراض تلفات زیاد در مملکت وارد میآورد .

حتی در ریافت هم کشته های هولناک میکرد و بطوریکه ماضی تاریخ میشد مثل وبای اول ، وبای دوم . این تلفات برای این بود سکه يك تأسیسات صحتیه نداشتیم و چون نداشتیم از نقطه نظر صحتیه دیگران هم

ما را برسمیت نمی شناختند یعنی رسماً شناخته نشده بود تاسه هزار و سیصد و بیست و یک بطوریکه اگر بیک کشتی بخار سرحدهات ایران بیاید بایستی قبل از بروز به بندر دیگران و از اطباء آنها جواز بگیرد تا حق داشته باشد بیاید به بندر و بایستی البته تصدیق می فرمائید که این توجیهی اندازه برای ما مضر بود تا اینکه در زمان وزارت امور خارجه مرحوم مشیرالدوله صدر اعظم دولت در صد در آمد که اقداماتی کردند این ترتیب ناگوار را بر طرف نیاید ، کنفرانسهای بین المللی سابق (چون هر چند سال یکبار تریبک کنفرانس بین المللی صحتیه تشکیل میشود) چون ما ترتیب صحتیه درست نداشتیم نماینده ایران میرفت ولی متأسفانه بسکوت میکشیدند و هر چه دیگران میگفتند اونمی توانست جواب بدهد تا روز وزارت خارجه مرحوم مشیرالدوله صدر اعظم دولت جدید در آمد و در آن وقت صحتیه خود بر آمد و در سه هزار و نهصد و سه که يك کنفرانس بین المللی در پاریس منعقد شد در آنجا بعد از چهار روز مذاکرات دولت توانست حقوق مشروعه خودش را مسترد بدارد یعنی صحتیه دولت ایران بر صحتیه شناخته شد و روی آن جمله که در عهدنامه های قدیم ما راجع این حق محروم کرده بود قلم زده شد و این خدمت یکی از خدمتنامه مهم وزارت خارجه مرحوم مشیرالدوله صدر اعظم است که شاید تا کنون مکتوم مانده بود و بنده افتخار میکنم که در این کنفرانس نماینده دولت ایران بودم و توانستم افکار عالی و تعلیماتی را که آن مرحوم بنده داده بود بموقع اجرا بکنم پس از آنکه دولت این حق را گرفت برای اینکه نشان بدهد افکار و کردارش توأم است در توسعه و ترقی صحتیه خود خیلی كوشش کرد و بموجب پیشنهاد مرحوم مشیرالدوله قرار شد يك اداره صحتیه مهمی در ایران تشکیل شود و فرمانی صادر شد که يك اداره صحتیه هم ترتیبات صحتیه سرحدهات را منظم بدارد و هم امور صحتیه داخلی را رسیدگی کند تشکیل شود و چون آن مرحوم خیلی بامور صحتیه اهمیت میدادند قرار شد که يك هیئت مشورتی هم این اداره صحتیه داشته باشد و اسم آنرا هیئت اداره کل صحتیه و هیئت مشورتی را بگیند . مجلس حفظالصحه دولتی گذاشته مثل این که در سایر دولت ها هم هیئت ترتیب صحتیه اداره صحتیه شانرا مجلس حفظالصحه می گویند و همین صحتیه ایران هم باسم مجلس حفظالصحه دولتی در تمام دنیا شناخته شد تا کنون هم چه امور صحتیه داخلی و چه سرحدهات در تحت نظریات و تعلیمات و مسئولیت این مجلس اداره میشده در اینجا این اشتباه شده است که میگویند مجلس صحتیه المللی است .

اولاً این مجلس مال ایران است و مجلس حفظالصحه مرکزی ایران است چنانکه در دوره دوم در همین مجلس شورای ملی (اداره صحتیه کل ایران) شناخته شده البته در نظر آقایان هست که در قانون آبله کوبی هم دو ماده هست که بنده یادداشت کرده ام بنویسد . وجهیکه از بابت عشر نواقل عاید میشود بمجلس حفظالصحه مرکزی دولتی پرداخته شود و در تحت نظر مجلس مزبور بصرف باید برسد پس این اداره صحتیه سکه با هیئت مشورتی توأم بمجلس حفظالصحه اسمش است و آنرا مجلس دوره دوم برسمیت شناخته است همین اداره بوده اگر اداره صحتیه دیگری بود البته میگفت بآن اداره داده شود اینجا نباید اشتباه کرد سکه وقتی می گوئیم مجلس حفظالصحه دولتی تصور نشود يك اداره مشورتی است خير ، اینها يك مملیعی هستند که ماهی يك مرتبه از آن ها دعوت میکنند و اما اینکه فرمودند روایاتی هستند خیر اینها اغلب مملیعی دارالفنون که از خارج خواسته ایم هستند و البته باید از افکار صائبه آن ها در امور صحتیه استفاده بکنیم . مسیو نیار را ما خواسته ایم برای تأسیس انستیتو باستور البته او را باید در آن هیئت مشاوره دعوت کرد و مثلاً توسط ساختن سرمایه برای جلوگیری از امراض مسریه و از نقطه نظر میکروبیولوژی علم شناختن میکروب و جلوگیری از امراض حیوانات از فکر او باید استفاده کرد . بهر صورت اغلب آنها مملیعی هستند بلی در این ضمن نیز از اطباء هم که در سفارتخانه ها هستند دعوت میکنیم و اینها هم فقط فقط از نقطه نظر فنی اگر چیزی بفاطرشان بیاید بیا میگویند و ما هم از آنها می پذیریم و بنده تکذیب میکنم فرمایشات آقای آقا اطلاع نداشتند و در خارج با آقای کازرونی گفته شده است که این مجلس حفظالصحه مجلس بین المللی است . خیر این مجلس ایرانی است و دهوتی هم که میکنیم از نقطه نظر نزاکت است . تا وقتیکه وزارت صحتیه تشکیل شد تمام کارها با مجلس حفظالصحه بود و با وجود لایق و عدم توجه عمومی بامور صحتیه و با داشتن فقط سه هزار تومان اعتبار که در سال تجاوز نسیب کرد و کمتر هم داده میشد مجلس حفظالصحه خدمات مهمه کرده است . اولاً آن کشتار هم که از وبا و طاعون میشد حتی چنانکه عرض کردم مبداء تاریخ شده از آنها جلوگیری شده است و در قسمت های دیگر هم در ولایات کمیسیونهای یالتی

و ولایتی و اداره های آبله کوبی تشکیل شده است و کم کم میرفت که امور صحتیه طرز خوش پیدا کند چون تمام امور در جریان خودش بود و این هیئت مجلس حفظالصحه که مسئولیت داشتند البته در تحت نظر و مسئولیت وزارت داخله بود و چون حکام و نظمی ها و بلدها در دست وزارت داخله است هر امر صحتیه که میشد سرعت جریان داشت و امید میرفت باندک توجهی در ولایات يك اقدامات صحتیه بشود و هر اقدامات صحتیه و انستیتو باستور تا کنون شده . اگر آقایان محترم رجوع با اقدامات حفظالصحه بفرمائید می بینید همراهم مجلس حفظالصحه دولتی کرده و نتیجه اقدامات این مجلس است و این هیئت اداری مجلس حفظالصحه دولتی (باید مجدداً عرض کنم) که مسئول است برای اینکه اداره است یعنی اداره کل صحتیه است و این هیئتی را میباید از آنها مشورت میکنند غیر از قسمت اداری هستند ماهی يك مرتبه باید بیایند و در امراض انسانی و حیوانی رای بدهند و الا مشمول همان اداره است .

ایرا علم - سه ماه هم در کابینه آقای

قوام السلطنه . حالا وقتی در خارج گفته می شود که وزارت صحتیه را بنده منحل کردم بنده ناچارم تکذیب بکنم بنده يك آدم دیگناوری نبودم که هر وزارتخانه ای را بغوا هم منحل بکنم . خیر مجلس چهارم از چندین نقطه نظر آنرا منحل کرد . یکی اینکه شاید گفته شد این باید قانونی شود و باید از مجلس بگذرد . ثانیاً بیشتر برای این بود که پول نبود و از نقطه نظر بودجه ای بود برای اینکه امور صحتیه که بشخصه تومان اداره می شد یکسفر اضافه شده بود و شده بود شش هزار تومان و این اداره مرکزیش بود در صورتیکه برای ولایات چیزی منظور نشده بود پس بنده جداً تکذیب میکنم و کاملاً خودم موافق تأسیس وزارت صحتیه هستم . این انتشارات که در بیرون می دهند صحیح نیست . آمدیم در کابینه آقای قوام السلطنه که بنده عهد دار وزارت معارف شدم بنده گفته شد چون شما خودتان وزیر معارف هستید شاید بهتر باشد در مجلس حفظالصحه بودجه اش را از طریق وزارت معارف دریافت کند و اقداماتش را وزارت معارف بکنند برای اینکه بودجه اش را بیاورد بنده چنانکه همان وقتیکه هم که پروگرام دولت مطرح بود عرض کردم شاید آنوقت نظرم این بود که اینطور بهتر است و شاید قانون را هم مراجعه نکرده بودم که امور صحتیه با وزارت داخله است ولی فوراً ملتفت شدم و بر رئیس دولت عرض کردم که این يك اشتباهی است و باید همان ترتیبی که برقرار بوده باشد و در این لایحه که در دوسال و نیم پیش طرح کرده بودم و برای بعضی از آقایان نمایندگان دوره چهارم هم که بعضیشان اینجا شرف حضور دارند فرستادم و پیشنهاد حالی را هم آنوقت عرض کردم و پیش بینی کردم که امور صحتیه منحل میشود و بهتر خواهد بود که مثل سابق در تحت نظر وزارت داخله باشد که امور بهمه تعویق نیفتد .

مثلاً اینکه آقای کازرونی فرمودند که گاهی اوقات اتفاق می افتد خیر اینطور نیست اغلب بعضی امراض اتفاق می افتد و البته باید زودتر جلوگیری کرد باید مآخوذمان را فرض نکنیم و نظرمانرا متوجه بعضی تهران نکنیم نمایندگان محترم وقتی در امور صحتیه رای میدهند باید نظرشان به ولایات بیشتر باشد باید دانست که در بعضی جاهای امراض مسریه و مهلكه هستند مثل مازندران و گلستان و استرآباد که در همچو خا کهکهای زرخیز اصلاً عمل را از خارج می آورند برای اینکه امراض نوبه ای طوری مدت ششماه وزارت صحتیه بود یکنفر از نمایندگان - سه ماه ایرا علم - سه ماه هم در کابینه آقای

از خارج عمل اجیر میکنند بعضی نقاط مثل شهریار و ساوجبلاغ و جاهای دیگر هست که در آنجا هر بیست سال یکبار تهاالی عوض میشوند و بعضی دهات هست که پنج سال به پنجسال همه تلف میشوند و دوباره از جاهای دیگر جمع میشوند باید آقایان در نظر بیاورند از اینجا تا خراسان که دوپست فرسخ راه است دوپست نهدو گنه گنه که سه سه زوار داده شود در راهها نیست هم چنین اگر تمام ولایات و ملحقان را حساب کنیم خیلی وحشت انگیز است باید نظر نمایندگان در امور صحتیه بهمین مسائل باشد و منظور وقتیکه مایک مریض داریم و طفلان مریض است البته مشورتهایی میکنیم طبیب میآوریم و باید دانست که این حس در مسافران و زواری هم که پیاده میروند هست که در راه بچه و عیالش خودش که ناخوش هستند يك کاری بکنند و يك دوائی بدهند لهذا بنده این توضیحات را عرض کردم برای اینکه آقایان مطلع باشند اینکه میگویند مجلس حفظالصحه رسمی دولت ایران است و بین المللی نیست و بنام و در تحت عنوان مجلس حفظالصحه اداره صحتیه هست که هیئت مشورتی هم ندارد وقتیکه میگویند مجلس حفظالصحه فلان اقدام دارد کرد یعنی آن اداره مشولتن که در تحت مسئولیت وزارت داخله است اینکار را کرده است البته بنده هم آنقدر ملتفت هستم که يك هیئتی که برای مشورت میآیند و مثلاً از آنها میبرسد که مآلارایا چگونه دادا و مسئول نیست مسئول آن هیئتی است که اداره است و پول میگیرد و در مقابل حقوقیکه میگیرند مسئول است بعلاوه رئیس حفظالصحه پیشنهاد رئیس دولت و فرمان شاه معین میشود و در نزد دولت مسئول است پس این يك اداره کل صحتیه است و يك اداره مشورتی هم باو مربوط است و هر دو توأم اسمش را میگویند مجلس حفظالصحه مثل اینکه میگویند انجمن بلدی کاری کرد آن آنقسمت اداریش است که آنکارا کرده نه آنقسمت مشورتیش البته آنقسمت مشورتیش بنده هم میدانم مسئول نیست حالا چون مسئله فقط راجع بقابل توجه بودن است اینقدر توضیح دادم که خاطر آقایان نمایندگان مسیوق باشد بعداً اگر مخالفتی شد باز برای توضیحات حاضریم . (جمعی گفته شده مذاکرات کافی است) رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای امیراعلم و جمعی از آقایان مشاعر اعظم . باید بعد از آقای امیراعلم يك مخالف حرف بزند . بعضی از نمایندگان خیر لازم نیست مذاکرات کافی است . رئیس - رای می گیریم مذاکرات

خواهند کرد.

ساج میرزا عبدالوهاب - و سایر دو سه ها .

آقامیرزاشهاب - البته با سایر دو سه ها بنده در جلسه گذشته چند چیز عرض کردم یکی این بود که انجمن نظار هم یعنی انجمن اولیه بدون مجوز قانونی تعطیل و منحل شده ادله ای هم برای اثبات مدعی خودم ذکر کردم و گمان میکنم که برای خلاف قانونی بودن این عمل دلایلی هم لازم نباشد فقط بنده باید ثابت کنم که انجمن اولیه که به تصویب و رضای اهالی و تصویب سه نایب - الحکومه که در آن مدت تغییر کرده بود و بتصویب ایالت تشکیل شده بود آن انجمن را برخلاف قانون منحل کردند فقط بنده باید این قسمت را ثابت کنم البته آن کسی که جایز میدانند تعطیل انجمن نظار و انحلال آنرا اوله اقامه کردن بر جواز این عمل و ذکر مواد قانون برای اینکه این عمل من جایز بوده است بمعهده اوست و الا برای بنده فقط اثبات اینکه انجمن اولیه منحل شده کافیست و محتاج نیست که ادله هم ذکر کنم و اگر بغوا هم ذکر کنم می گویم که انجمن استرآباد را خواستند منحل کنند ولی دولت وزارت داخله که مسئول صحت انتخابات بودند پذیرفتند و تلگراف کردند که این عمل خلاف قانونست .

از این ورقه که خواننده شد همچو فهمیده می شود که برای انجمن نظار بم تقریباً يك اعضائی معین کرده بودند آقای دیوان بیگی میگویند من اعضای انجمن را نیشناسم ولی باید معلمی مثل آقا سید علیخان را هم فرستاده اند حالا بعد چه شده است که آقا سید علی خان را احضار کرده اند نمی دانم . (خطاب با آقای دیوان بیگی) این سند خود جناب عالی است . دیوان بیگی - بعد جواب عرض می کنم . آقامیرزاشهاب - يك قسمت از عرایض بنده را صورت مجلس انتخابات بم که فرستاده اند اینجا و مهر حکومت محل را هم ندارد فقط هفت مهر دارد تأیید میکند که بر خلاف قانون انتخابات (که موایست صورت مجلس را حکومت محل مهر و امضاء بکنند) صورت مجلس مهر حکومت را ندارد همین صورت مجلس دلیل صدق عرایض بنده است .

حالا میخوانم آقایان گوش بدهند به بیئنه همین طور که بنده عرض کردم شده است یاخیر (انجمن نظارات انتخابات به شرح ذیل از طرف کفیل حکومت بم منمقد گردید :

در تاریخ بیست و هشتم ذی قعدة اعلانی منتشر گردیده و از هشتم ذیحجه لغایت ۱۸ شهر مزبور برای دادن تعرفه و اخذ آراء مقرر گردید . آقا شیخ محمد - سالار اسعد میرزا سید محمد خان ناصر الممالک آقامیرزا عبدالعزیز عبد الله خان معتمد العلماء - آقا شیخ محمد علی - تاجر زدی .

از تاریخ چهاردهم محرم انجمن برای دادن تعرفه دایر و تعرفه داده شد ولی نظر بشکایات واصله از دسیسه در انتخابات از طرف ایالت جلیه آقای دیوان بیگی بسمت مفتی انتخابات معین و پس از وصول بمحل و تقشش انتخابات معلوم گردید که انجمن نظارات انتخابات مطابق قانون تشکیل نیافته) حالان قسمت را خواندم و بقه اش راهم میخوانم . انجمنی تشکیل میدهد چنانکه سابقاً هم عرض کردم .

خود دیوان یکی منمفصل میشوند میروند بکرمان . سالار اسعد کفیل یانایب الحکومه میشود بعد او را هم منمفصل میکنند حکومت را میدهند بسردار مجل و او هم نایب الحکومه رامیدهد . بیرادر خودش و او هم انجمنرا منحل میکند و آنوقت شروع بدان تعرفه میشود و از چهاردهم محرم شروع بدان تعرفه میشود بنمایند آنوقت مردم از دسیسه در انتخابات

شکایت میکنند که بنده هم همان شکایت را دارم ، اهالی بم هم که یکسال است شکایت میکنند همین شکایت را دارند از طرف دولت بایالت امر میشود که دسایس جلوگیری شود از طرف ایالت بدیوان بیگی که خودشان هم در اثر شکایات مردم منمفصل شده بودند و عین شکایات اینجا هست دوباره مأموریت میدهند که بروند برای تقشش انتخابات ایشان تشریف میبرند و انجمن نظارات انتخابات بم را منحل میکنند که در اینجا مینویسد

(چون) بر طبق مقررات قانون تشکیل نشده بود) دیگر ذکر ندارد که خلاف قانونی که در تشکیل انجمن بوده است چه بوده است اگر برخلاف قانون تشکیل شده بود نایب الحکومه اولی که دیوان بیگی باشد چرا گذاشتند تشکیل شود در صورتیکه خود ایشان تشکیل دادند و رفتند کرمان . حکومت دوم آمدن فهمید تشکیل انجمن نظار برخلاف قانونست حکومت سوم هم که دستوری بود باز تفهیم که خلاف قانونست ایشان دفته دوم که برگشتند برای تقشش آنوقت فهمیدند که این انجمن نظار برخلاف قانون تشکیل شده است این انجمن نظار برخلاف قانون تشکیل شده است این خیلی چیز عجیبی است و باید خودشان توضیح بدهند که مجوزش چه بوده است و خلاف قانونش چیست .

در تاریخ بیست و دوم محرم دعوتی از طبقات مختلفه بعمل آمده و انجمن نظارات تجدید گردید ولی آقایان جواد آقا و آقا سید علی اکبر و میرزا عبداله خان از قبول و حضور در انجمن استنکاف ورزیده بنا برین آقایان آقا سید احمد قاضی و حاج شوکت الممالک و سالار اسعد و سعید نظام و آقا میرزا صدرا و آقا حسین و آقا علی اکبر و کربلائی زین العابدین بعضویت انجمن از طرف طبقات اهالی انتخاب شدند برای سه نقطه نرماشیر - ورامین - تهرود و مرغکده بگری سه انجمن جزء معین از طرف انجمن نمایندگی یافته که انتخابات آنجا را اداره کنند .

در اینجا این انجمن دوم فقط تشکیل و اعلان انجمن اولیه را مینویسد دیگر علت انحلال انجمن اولیه را نمی نویسد و عملیات آن انجمن را هم که تا کجا رسیده بود و چه گفته بودند و چه مقدار تعرفه داده شده بود و در چه نقاط قرعه انجمن تشکیل شده بود هیچ یک از اینها را ذکر نمیکنند فقط مینویسد از چهاردهم محرم مشغول بدان تعرفه شده بودند چون بخيال خودشان عملیات آن انجمن و اینجمنهای فرعی بمعلیمی که از طرف ایالت و حکومت وقت معین

شده بودند البته موجبی نداشته است آنها را ذکر کنند و فقط عملیات مشر خودشان را ذکر مینمایند ذکر مینمایند بایستی ممتون بود . (در تاریخ بیست و هشتم برج سنبله انجمن مشغول بدان تعرفه شده و در تاریخ اول يك دفعه تاریخ برجی نوشته و یکدفعه در تاریخ قمری برای اینکه معلوم نشود ایالتی که انجمن تعطیل شده چه ایامی بوده است و چه کار کرده اند فقط این جا می نویسد :

در بیست و هشتم محرم انجمن تشکیل و دعوتی از طبقات شد (آنوقت هیچ ذکر نمی کنند که اعلان منتشر کردند و مقرر قانونی را مراعات کردند یا نه . فقط می گویند که از تاریخ بیست و هشتم برج سنبله انجمن مشغول بدان تعرفه شده و در تاریخ اول برج میزان دادن تعرفه تمام شد . در يك حوزه که جمعیت آنرا خودشان بهتر می دانند چه قدر است انجمن اول مقدار زیادی تعرفه داده بود در دفته ثانی که انجمن اولی را منحل و انجمن ثانی را تشکیل دادند در عرض چهار روز صد تعرفه دادند .

آقا میرزا علی کازرونی هفت روز آقامیرزا شهاب - در ظرف چهار روز چهارصد تعرفه داده آنها بم یکی و بیجاه نظام بهمان اشخاصی که در تلگرافات مکرر قرائت شدو بعدهام شاید قرائت شود .

و در تاریخ اول برج میزان دادن تعرفه تمام شده و از تاریخ سوم برج میزان تا تاریخ ششم اخذ آراء بعمل آمده و در نقاط ثلثه هم ترتیبات قانونی دادن تعرفه و اخذ آراء بعمل آمده) خوب الحمد لله اینجا باید مشخص بود که ذکر از ترتیبات قانونی کرده حالا چه ترتیب بوده است البته آنها هم که در بم بوده اند بهتر میدانند بنده که در بم نبوده ام . ((در بم ترتیبات قانونی عمل آمده)) ((حالا در مدت چند روز تعرفه داده و گرفته اند معلوم نیست . ترتیبات قانونی بعمل آمده و صنادیق آراء نقاط که مهور بهر اعضا انجمن های جزو بود بیم آورده شد در تاریخ بیست و نهم شهر صفر مطابق هجدهم برج میزان) اینجا دوم مرتبه از برجی نقل شده است بم ماه قمری (حکم توقیف انتخابات و اصل و صنادیق آراء نقاط جزء مهوراً ضبط گردید تا اینکه در تاریخ هفتم حوت تلگراف ایالت جلیله راجع برغ توقیف انتخابات و اصل و بنا برین در تاریخ چهارم حوت مطابق هفتم برج حوت انجمن نظارات متعده و آزاراء ماخوذه را که در صنادیق مهور و مضبوط بود است

نموده و از ۲۷۷۷ رای آقای امیر احتشام با اکثریت ۲۱۵۳ رای بنمایند گی حوزه انتخابیه بم انتخاب گردید) باز اینجا ناچارم يك قدری تاریخ بگویم چون مقصود ضبط تاریخ و قضاوت آقایان است در اثر شکایات متوالی اهالی که عرض کردم مدت ها در تلگرافخانه متعصن بودند دولت انتخابات را امر بتعطیل یا توقیف داد تا رفتن مفتش و رسیدگی کردن بآن همانطور که خود اینها نوشته اند در هجدهم میزان مرتب توقیف انتخابات شد و در جلسه گذشته هم عرض کردم حالا اگر چه تکرار میشود ولی چون مسائل مربوط به هم است تکرارش عیبی ندارد در هجدهم میزان از طرف دولت امر بتوقیف آقای سردار آنجا هائی را که توقیف نشدنی بود توقیف کردند ولی بم را توقیف نکردند تا بیست و چهارم بموجب تلگرافات شکایات اهالی که اینجا هست (اگر چه ایشان تکذیب می کنند) انتخابات ادامه داده شده بود و آنوقت توقیف کردند حالا این جا میگویند با مر ایالت جلیله از توقیف خارج شد :

بسیار خوب البته : اینجا يك سؤال و جوابی راجع باین قسمت است که از وزارت داخله آقای تلگراف میکند بایالت کرمان که عین تلگراف خواننده میشود (ایالت جلیله چون انتخابات بم بر حسب امر دولت وقت توقیف و تا بحال بر رفع آن امری داده نشده است بنا بر این هر گونه عملیاتی را که حکومت کرده باشد لغواست) چون دولت وزارت داخله در اثر يك شکایات موجبی انتخابات را توقیف کردند برای اینکه يك تحقیقات و يك تقششاتی در اطراف این عمل بکنند و ببینند چه چیز باعث شده که این همه شکایت تولید شده است این بود که انتخابات را توقیف کردند بالاخره بموجب آتصورت هائی که عرض کردم و آقایان ملاحظه کردند از طرف ایالت امر میشود که انتخابات از توقیف خارج و آراء خواننده شود همان آرائی که گرفته بودند و در صندوق ریخته بودند و توقیف شده بود حالا آراء چه بوده بماند پس از آنکه راپورت وزارت داخله میرسد وزارت داخله این تلگراف را بایالت می کند هر عملی که حکومت محل کرده است لغواست برای اینکه بدون اجازه دولت این کار را کرده است ایالت وقت جواب میدهد (وزارت جلیله داخله ۶۷۹۶ رفع توقیف انتخابات بم موجب تلگراف ۱۶۸۵۶ مورخه چهارم حوت حضرت اشرف رئیس الوزراء عظام بعمل آمده و بر حسب امر معظمله حکومت بم دستور داده شده است که انجمن

نظارت را ادامه و آراء توقیف شده را استخراج نمایند مشارالیه هم بهمین ترتیب رفتار و نتیجه بر عرض رسیده است ۱۵ حوت ۶۰۰۲ عبدالعزیز در جلسه گذشته عرض کردم که بر فرض اینکه ایشان معتقد بودند که توقیف انتخابات خلاف قانون است میباید پذیرند و بعد از آنکه پذیرفتند به تلگرافی که از غیر مجرای قانون باشد نمیتوانند متوسل بشوند بخصوص این تلگرافی را که اینجا اشاره میکند ۱۶۸۵۸ در این دوسیه های ارسال از کابینه ریاست وزراء اصلا همچونمره وارد این دوسیه نشده بنده برای اینکه دوسیه تکمیل شده باشد و خردشان را برای اینکه سندی در مقابل ادعاهای بنده داشته باشند و ارائه بدهند تلگراف را خواستند ولی در دوسیه نبود از طرف اداره تقنینیه هم خواسته شده است و بنده چندین مطلب منبستم که همچو تلگرافی اصلا وجود داشته باشد پس تا این تلگراف هم نباید مانعی توانم در این موضوع يك قضاوتی بکنیم برای اینکه رفع توقیف را موکول میکنند به تلگرافی که بنده عرض کردم که از غیر مجرای قانونی است تلگراف ۱۶۸۵۸ که تا آن تلگراف را مانبینم که مضمون آن چه بوده است گمان نمیکم که آقایان بتوانند در خصوص این انتخابات قضاوت بکنند - بقیه صورت مجلس (پس از آن انجمن يك هفته برای اخذ شکایات و يك هفته برای رسیدگی بشکایات دایر بود در ظرف هفته اولی اینجکه اعتراضیه و اصل شد که عین آن منضم بهمین ورقه است)

و نمیدانم کجا است (پس از رسیدگی بمواد شکایات اگر چه انجمن امهار ذیل لایحه را نتوانست بشناسد معهدا جواب هر يك از مواد اعتراضیه را بطوری که با اطلاع معترضین رسیده ذیلا اشعار میداریم) خیلی انجمن خوبی است که در يك نقطه مثل بم که همه اهالی تقریباً همدیگر را می شناسند و وسایل تعریف و معرفت کاملاً موجود است تازه مینویسد ورقه اعتراضیه که رسیده است آنهم از اشخاصی که آنقدر دوسیه ها را پر کرده اند از امهار و شکایاتشان آنوقت تازه امهار آنورقه را نشناخته اند آنوقت این دلیل بر حسن نظری و غرضی انجمن نظار نیست که این ورقه را نوشته اند آن آراء هم از همان جمعیت بوده است

(جواب اول - بطوریکه اظهار داشته اند حکومتهای وقت صحت تشکیل انجمنهای سابق را تصریح نموده اند لو فرض آنها هم تصدیق کرده باشند متعاقباً اعتراضات و اکثریت اهالی نسبت بانجمن کافی بوده است که تجدید نظری در انجمن سابق بشود و شکایات متعصنین از قبیل آقا شیخ عبداله و سایر وجوه اهالی که همان وقت در بدو معرفی انجمن در تلگراف افغانه رفته بودند البته در دفتر ایالتی کرمان و کابینه وزارت داخله موجود است) بله اولان انجمن امهار ورقه اعتراضیه را نتوانسته است بشناسد تا بنیاً تصدیق می کند يك اسنادی که ضمیمه این دوسیه است که نایب الحکومه های وقت صحت انتخاب انجمن اولیه را تصدیق کرده اند و اینها تکذیب میکنند و برای همین است که بنده مجبور میشوم این دوسیه را تا آخر بخوانم برای اینکه آن تلگرافات و آن نوشتهجات و آن اسناد و فرامین و احکامیکه راجع به صحت انجمن اولیه بوده است آنها خواننده شود که وقتی این انجمن جعلی و ساختگی بر میدارد مینویسد که حکومتهای اولیه صحت تشکیل انجمن سابق را تصدیق نکرده اند معلوم باشد که آنها تصدیق کرده اند اینها را میخوانم برای اینکه خواب بیدار شوند این حق قضاوت را چه ماده از مواد قانون بانجمن نظارت بم داده است که آن ها قضاوت کنند (لوفرض که آنها هم تصدیق کرده باشند متعاقباً اعتراضات اکثریت اهالی نسبت بآن انجمن کافی بوده است که تجدید نظری در انجمن سابق بشود) خواهش میکنم آقای مغبریا هر کسی که از این اعتراضات دفاع میکند بفرماید که بر طبق چه ماده از مواد قانون اینها ورود شکایات را کافی دانستند برای اینکه تجدید نظری در تشکیل انجمن بشود باید مستند يك ماده از قانون باشد آنوقت نسبت بشکایات متعصنین هم جواب میدهند که در دفتر ایالتی کرمان و کابینه وزارت داخله موجود است بنده هم میگویم موجود است .

فرستاده اند آنها از اهالی بم نبوده اند اهالی بم تماماً بر آن انجمن اعتراض داشته اند باین جهت يك وجهه قانونی برای انحلال انجمن اولیه و تشکیل انجمن دوم بدست آورده اند (جواب سوم) چون سئوالی که نوشته اند ضمیمه این دوسیه نیست ولی از جواب که خواننده میشود معلوم میشود (بطوریکه معترضین در ورقه اعتراضیه خودشان اشعار داشته اند اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت در تاریخ بیستم سرطان داده شده دسورتیکه اهالی در عرض مدت متعادی مطلع بوده اند که انتخابات شروع و جریان پیدا خواهد کرد معهدا قبل از شروع بتوزیع تعرفه سه روز هم احتیاطاً انتشار اعلان نمود) این جواب دیگر بکلی رفع هر اشکالی را از آقایان میکند که اگر بغوا به - بیند جریان انتخابات بر طبق قانون بوده است یا نه .

این جوابی که انجمن نظار بم معترضین که میگویند وجود نداشته اند بجهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکنند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند (اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده) این را اعتراض کرده اند آنوقت دلیل میاورند که مردم مطلع بوده اند و مدت متعادی انتخابات در جریان بوده است .

بله همان مدت متعادی بود که این دوسیه را ایجاد و تکمیل کرده ولی همه اش شکایت بود از اعمال نادر و دسیسه و نظریات خصوصی آنوقت میگویند چون مطلع بودند از این جهت ما سه روز فاصله گذاشتیم از این جواب هم معلوم نمیشود که در ظرف این سه روز هم اعلانی کرده باشند . فقط مینویسد سه روز فاصله قرار دادیم یعنی از روزیکه این انجمن سوم تشکیل شد تا روزی که شروع بدان تعرفه کردند سه روز فاصله بوده است حالا این را آقایان نمایندگان میتوانند در نظر داشته باشند تا اینکه رجوع کنند بماده قانون که مینویسد مدت اعلان کمتر از ده روز نباید باشد اینجا خودشان اقرار میکنند که سه روز بوده است چون اهالی اطلاع داشتند احتیاط سه روز هم اعلان نموده اند (جواب چهارم راجع با اعتراضی که باستناد ماده ۱۰۰۸ قانون انتخابات نموداند خاطر نشان میکنند که آقای آقا سید احمد قاضی از طبقه علماء و آقایان حاج شوکه الممالک و سالار اسعد و آقا میرزا صدرا از معتدین محل آقای آقا کربلائی زین العابدین و آقا حسین آقا علی اکبر هم از طرف تجار و اصناف به عضویت انجمن انتخاب شدند و تصور میروند

که معرفی همین آقایان برای رد اعتراض کافی است بنده هم همین را میگویم این آقایان کجها هستند؟ آنهائی هستند که در تلگرافشان می بیند عمه زاده و برادرزاده آقای سردار مجلل هستند و هم چنین نسبتی هم با آقای امیر احتشام دارند.

امیر احتشام - باینده نسبتی ندارند آقای میرزا شهاب - بسیار خوب به فرمائید نداشته اند . بنده هم بهیچوجه با شخص ایشان مخالفی ندارم و تاریخ میگویم معرفی همین آقایان حاج شوکت الممالک سالار اسعد . سعید نظام که از بستگان نزدیک سردار مجلل و شوکت نظام هستند برای رد اعتراضات کافی است بنده می گویم همین برای اثبات اعتراضات کافی است برای اینکه اینها اعتراض میکند که انجمن اولیه را که بر طبق میل اهالی تشکیل شده بود منحل کردند و مطابق میل خودشان از کسان و بستگان و خویشان و اقربای خود یک انجمن نظارتی که نظریه آنها را اعمال نماید تشکیل میکنند حالا میگویند معرفی همین آقایان برای رفع این اعتراضات کافی است مثل اینکه می گویند آن دو نفر از طبقه اعیان بوده اند آن دو نفر از طبقه تجار بوده اند و آن دو نفر زین العابدین و آقا حسین میباشند که تلگرافشان در جلسه گذشته خوانده شد

امیر احتشام در موضوع تلگراف بنده تصدیق ندارم و تکذیب می کنم .

آقا میرزا شهاب - چون بنده میدانم که یک دفعه دیگر نوبت بنده نمیرسد که اینجا بیایم ناچارم تکذیباتی که راجع به بنده میشود همین حالا بخوانم . این تلگرافی است که آن دو نفر کرده اند و آقای امیر احتشام تکذیب کردند مهر تلگرافخانه نمره تلگراف و مجدداً میخوانم ساحت مقدس مجلس شورای ملی کییه ریاست وزراء عظام . کییه وزارت داخله . این جانبان اعضاء انجمن نظارت تصدیق میکنم که انتخابات بم نرماشیر بر خلاف مقررات نظامنامه در جریان بوده انتخاب امیر احتشام بروجه صحت و مطابق قانون نشده است اعتراضات اهالی از سوء جریان انتخابات وارد تکلیف چیست ۱۱ حمل ۱۳۰۳ زین العابدین حسین

این را تکذیب میکنند) پنجم اینکه نوشته اند غالب تعرفه ها فقط دارای چهار مهره بوده اولاً نبوده فرضاً که معدودی هم باشد البته تصدیق میکنند که امضاء اکثریت انجمن برای توزیع تعرفه کافی است

این را بنده هم اعتراضی نمیکنم (جواب ششم اشعار نموده بودند جمعیت بم بیست هزار نفر است واضح است که بیست هزار نفر نیست گذشته از این هیچکس نمی تواند افراد اهالی را مجبور کند باینکه در موقع

انتخابات تعرفه بگیرند و رأی بدهند نقصان عده گیرندگان تعرفه بر طبق ماده ۲۲ قانون انتخابات هیچ ایرادی بر صحت جریان انتخابات نخواهد بود)

این مسئله اساساً بجای خودش صحیح است ولی در صورتیکه از آنهائی که می خواهند بیابند تعرفه بگیرند و رأی بدهند جلوگیری نشده باشد و به آن اشخاصی که مایلند تعرفه داده نشده باشند جمعیت بم هم بیست هزار نفر است البته آقایانیکه جغرافی خوانده اند میدانند که جمعیت هارا در جغرافیا کم می نویسند یا اگر مثل بنده جغرافی ندانند ممکن است يك جغرافیا بخرند و نگاه کنند جمعیت بم چقدر است البته يك عده بوده اند که مستحق برای گرفتن و تعرفه و دادن رأی بوده اند میگویند نقصان عده گیرندگان تعرفه اعتراضی نیست صحیح است اساساً اعتراضی ندارد ممکن است اهالی يك محل صد هزار نفر باشند بیش از پانصد نفرشان نروند تعرفه بگیرند و رأی بدهند ولی باید ببینیم که علت چه بوده است؟ آیا این اشخاصی که سیصد نفرشان پای این شکایت را امضا میکنند جزء گیرندگان تعرفه بوده اند؟ البته تعرفه به آنها نداده اند زیرا یک شکایتشان تقریباً سیصد عدد مهر بیشتر داشت که تعرفه به آنها نداده اند و بایستی تحقیق شود (هفتم نظر بوسعت عرض و طول نرماشیر بطوری که سابقه داشته انجمن مرکزی چهار نقطه در مراکز نرماشیر انتخاب کرده اند که برای تسهیل جریان انتخابات و رفاهیت اهالی توزیع تعرفه و اخذ آراء بشود و این مسئله هیچ دلیلی برای اثبات اعتراضات معترضین نخواهد بود)

اعتراضات ذکر نشده ولی از جواب معلوم میشود که در حوزه نرماشیر که ملک سردار مجلل و بستگان ایشان است چه شده است که چهار انجمن فرعی تشکیل میدهند و در سایر نقاط عوض تشکیل انجمن فرعیه معلمین را هم حبس و تبعید میکنند البته این هم بضبط مجلس باید مراجعه شود که به بنده در دوره چهارم که برادر بزرگ دوره پنجم بوده است در نرماشیر آیا چهار انجمن تشکیل شده است یا بیشتر یا کمتر و در صورتیکه کمتر بوده است آیا سابقه داشته است که انجمن نظار بدون استیجازه و استعلام از ایالت یاد دولت در هر جا میخواهد انجمن تشکیل بدهد یا نه؟ اینها يك چیزهایی است که باید تحقیق شود.

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است ولی مطابق نظامنامه تا نطق تمام نشود کسی نمی تواند چنین تقاضائی بکند اما چون ایشان از این حق خودشان نمیخواهند در این موقع استفاده کرده باشند پیشنهاد قرائت میشود ولی این ترتیب سابقه نخواهد بود (بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتہ چون وقت خیلی دیر شده است و مذاکرات آقا میرزا شهاب الدین در جلسه تمام نمیشود لذا بنده پیشنهاد میکنم که خاتمه بمذاکرات آقا میرزا شهاب داده شود و بجلسه دیگری موکول گردد صدرالعلماء سردار معظم - بنده مخالفم؛ رئیس - عرض کردم که این ترتیب سابقه نخواهد بود ولی چون ایشان خودشان اجازه دادند که در وسط نطقشان پیشنهاد خوانده شود خوانده شد.

آقای سردار معظم (اجازه) سردار معظم - بنده هم همین ملاحظه استفاده از اجازه که فرمودید میکنم و عرض میکنم تجدید نفس کردن یعنی قطع جلسه برای تجدید نفس خوب نیست .

ایشان دو جلسه است فرمایشاتشان را با تکرارها بیان کرده اند و بالاخره جلسه دیگر باز همان تکرارها خواهد بود اگر مقصود امر اوقات است چه نتیجه دارد و اگر مقصود گفتن مطالب است که مطالب هم مکرر گفته شد و مخصوصاً بنده شخصاً با استعمال پارچه عبارات که نسبت به آنها اجازه خواهم خواست که در آخر جلسه چند کلمه عرض بکنم و حالا سکوت کردم که ایشان فرصت تام داشته باشند که تمام بیاناتشان را بکنند و بنده تقاضا میکنم که امروز بایشان فرصت کامل داده شود که لااقل امروز تمام حرفشان را بزنند بعد جوابها بماند برای جلسه دیگر برای اینکه بالاخره قطع کلام و تکتکه حرف زدن هم ایشان فراموش میکنند و هم ممکن است در اثر مکررات آقایان خسته شوند و حالیه هم تقریباً بیست دقیقه بیشتر از ظهر نگذشته است و بسا شده است که جلسه یک ساعت و نیم از ظهر گذشته ختم میشده و بنده خیال نمیکنم وقت نباشد در هر حال خوب است ایشان فرمایشاتشان را فرمایند و جواب سایرین بماند برای جلسه بعد.

رئیس - باید رأی گرفته شود . زعیم - بنده يك اخطاری دارم . رئیس - فرمائید . زعیم - گمان میکنم در این پیشنهاد نمیشود رأی گرفت زیرا مخالف بانظامنامه است که پیشنهاد ختم جلسه در وسط نطق یک نفر داده شود .

رئیس - ایشان خودشان قبول کردند . زعیم - حالا صرفه ایشان اقتضا می کند که این پیشنهاد را قبول کنند بنده صلاح نمیدانم و يك سابقه میشود برای آتی . آقا میرزا شهاب - آقایان اگر حاضر باشند

بنده هم حاضر میخوانم . (بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید) رئیس - این حتی که در نظامنامه داده شده است برای ناطق است و برای رعایت خود شخص ناطق بوده است که گفته شده است وقتی در مطلب اصلی صحبت نمایند نمیشود پیشنهادی کرد ایشان از این حق خودشان نمیخواهند استفاده نمایند حالا اگر مجلس عقیده اش این است که این پیشنهاد موافقت ندارد بنده اصراری ندارم که رأی گرفته شود .

(جمعی از نمایندگان - رأی بگیرید) رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد ختم جلسه . آقایانیکه تصویب میکنند که جلسه ختم شود قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد . آقا میرزا شهاب - بقیه عرایض بنده

میماند برای جلسه بعد . رئیس - جلسه آتی روز یکشنبه است .

آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده پیشنهاد میکنم که عصری سه بغروب مانده جلسه تشکیل شود . رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب پیشنهاد میکنند که امروز عصری جلسه تشکیل شود در این باب مخالفی هست؟ (بعضی از نمایندگان بطو و همه)

مخالفیم حاج میرزا عبدالوهاب بنده استرداد کرد رئیس - جلسه آتی روز یکشنبه دستور بقیه دستور امروز آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - در موقعی که دستور رامین میفرمائید چون لابد اولین مطلبی که در دستور خواهد بود بقیه مذاکرات در انتخابات بم است بنده در جلسه گذشته از حضرت عالی استدعا کردم سواد تلگراف رئیس الوزراء را که تجویز بجریان انداختن انتخابات بم را می دهد بخوانید و جز و دو سه بگذارید و چون امروز اظهار عدم اطمینان بوجود آن تلگراف شد برای این که آن عبارت را بخود گویند پرتاب کنم خواهش میکنم تا کید بفرمائید آن تلگراف را زود تر بفرستند .

رئیس - نوشته شده بود مجدداً هم تا کید میشود . آقای آقا سید سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم تقاضا کنم اگر راپرت کمیسیون نطق حاضر است آن را مقدم بر همه جز و دستور بگذارید . رئیس اگر حاضر بشود آقای آقا

شیخ محمد علی تهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی - بنده هم چنین بیان آقای آقا سید یعقوب را میخواستم عرض کنم که فرمودند رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم عرضی ندارم رئیس آقای تدین تدین عرضی ندارم رئیس آقای رهنما رهنما عرضی ندارم رئیس آقای دست غیب دست غیب عرضی ندارم رئیس آقای ضیاء الملک ضیاء الملک عرضی ندارم رئیس آقای اخگر اخگر عرضی ندارم رئیس - آقای نصره الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - چون تقاضای راپرت کمیسیون نطق برای دستور جلسه آتی شد لازم است خاطر آقایان را متذکر کنم که کمیسیون در جلسه آخرش که پریروز بود کار لایحه نطق را با موافقت دولت کاملاً تمام کرد و علت تاخیر تقدیم خبر بمقام ریاست این بوده است قبل از اینکه این خبر مطابق اصلاحاتی که در کمیسیون شده نوشته و امضاء شود لازم بود که از طرف وزراء صورت فرانسه مصدق و ممضای آن بخبر کمیسیون داده شود که احتیاطاً اشتباهی نشود و مخبر کمیسیون که ممضی این راپرت است از مسئولیت بری باشد این تقاضا را در کمیسیون از وزیر خارجه و وزیر مالیه بنده نمودم دیشب در کمیسیون خارجه آقای وزیر امور خارجه صورت امتیاز را بفرانسه باستثنای سه ماده اخیر که هنوز حاضر نشده بود در ظرف امروز یا فردا از طرف وزیر امور خارجه بنده خواهد رسید و پس از آن راپرت تقدیم بمقام ریاست خواهد شد .

رئیس دیگر فرمایشی نیست . (گفتند خیر)

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك م. شهاب - منشی معظم السلطان جلسه ۳۴

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه سوم ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق پانزدهم برج سرطان ۱۳۰۳

(مجلس سه ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید) (صورت مجلس یوم پنجشنبه دوازدهم سرطان را آقای آقا میرزا شهاب الدین